اهمیت شناخت معیار وحدت و تعدّد حقیقت

> **(مسألة ١٧): صوم يوم الشك يتصور على وجوه: الأول: أن يصوم على أنه من شعبان. وهذا لا إشكال فيه، سواء نواه ندباً، أو بنية ما عليه من القضاء أو النذر ، أو نحو ذلك. ولو انكشف بعد ذلك أنه كان من رمضان أجزأ عنه ، وحسب كذلك. الثاني : أن يصومه بنية أنه من رمضان. والأقوى بطلانه وإن صادف الواقع. الثالث : أن يصومه على أنه إن كان من شعبان كان ندباً وقضاء مثلا، وإن كان من رمضان كان واجباً. والأقوى بطلانه أيضا[1]**

بحث در این بود که مرحوم سید در فرض سوم فرمودند: «والأقوی بطلانه»؛ روزه‌اش باطل است. خب او چطور نیت کرده؟ «أن يصومه على أنه إن كان من شعبان كان ندباً وقضاء مثلا، وإن كان من رمضان كان واجباً»؛ این صوم باطل است. چون تردید انداخته‌اند.

مرحوم آقای حکیم برای این فرض، سه وجه بیان کرده‌اند. از شیخ الطائفه و از مدارک و از شیخ انصاری؛ سه دلیل برای بطلان این فرض که سومین مورد بود و ایشان هم از یک باب می‌دانند، همان مسأله تعدد حقیقت بود. من عرض کردم این بحث در بسیاری از جاها می‌آید و مرتب هم با آن کار داریم. هرچه هم در مبادی آن فکر کنید و واضح شود، بعداً در تصمیم‌گیری در فروعاتش راحت‌تر هستید. اینکه حقیقت چیست؟ رمز تعدد حقیقت چیست؟ کجا دو شیء، دو حقیقت دارند یا ندارند؟ اصلاً معنای لفظ حقیقت چیست؟ ماهیت، حقیقت، دو تا، یکی چیست؟ در اینجا هم مطالب منطقی هست و هم مطالب حکمی و اصولی. خیلی بحث پرفایده‌ای است و درعین‌حال بحث سنگین و غامضی است.

در بحث، برخی از دسته‌بندی‌های کلی هست که آن دسته‌بندی‌ها ذهن را کمک می‌کند. کسی که زبان فارسی زبان مادری‌اش است، زبان عربی زبان مادری‌اش است، اما تقسیم‌بندی‌های ادبی را نخوانده است؛ اینکه اسم داریم، فعل داریم، حرف داریم؛ اصلاً این‌ها را نشنیده است، زبان را به کار می‌برد اما اینکه جایی که دارد مخلوط می‌شود را تشخیص دهد و عناصر زبان در ذهن او از هم جدا باشد، خیلی کار می‌برد. اما وقتی کلیات مطالب در ذهن او دسته‌بندی شده و شاخه‌بندی شده و درخت تشکیل شده و انواع و اقسام آن آمده، در اینجا کار برای ذهن او آسان‌تر است.

مثال‌هایی که من عرض کردم می‌تواند خیلی طولانی باشد. اگر تأمل کرده باشید هر چه با عنایت خاصی مثال را تکثیر کنیم، بحث را پیش می‌برید. با یک عنایت خاصی مثال را تکثیر کنید، بحث پیش می‌رود. لذا یکی از چیزهایی که شما می‌توانید به وسیله آن با عنایت خاص مثال‌ها را تکثیر کنید، این است که حوزه‌هایی که حکمش با هم فرق می‌کند را شناسایی کنید و از آن جا

مثال بیاورید. از آن جا مثال بیاورید تا تفاوت آن‌ها روشن شود. و الا اگر از آن مرحله و از آن چیزی که مربوط به حوزه‌ها است، نباشد، صرفاً تکثیر مثال‌های مشترک می‌شود.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى ج ۸ ص۲۲۴

بازبینی #1
ایجاد شده 24 مه 2026 11:30:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 مه 2026 11:32:01 توسط ... .